

[A Persian translation of a letter from the Department of the Secretariat
dated 19 March 2018 to an individual believer]

ترجمه‌ای از

نامه دارالانشاء بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاً

(هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی)

۱۹ مارس ۲۰۱۸

ارسال از طریق الکترونیکی

دوست عزیز روحانی،

مرقومه... شما حاوی سؤالاتی در مورد قوه تبیین آن معهد و نهایی بودن ترجمه‌های حضرت شوقی افندی به بیت العدل اعظم واصل گشت. مقرر فرمودند به شرح زیر مرقوم گردد.

اشتیاق شما برای احراز درکی روشن از این مواضع قابل تقدیر است. سؤال نموده‌اید که آیا بیت العدل اعظم برای انجام وظیفه تشریح خود قابلیت خاصی جهت تبیین آثار را داراست. برای روشن شدن این سؤال توصیه می‌شود چند نکته اساسی مورد نظر قرار گیرد. شما در مکاتبه خود، به نامه مورخ ۷ دسامبر ۱۹۶۹ بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاً اشاره می‌کنید. آن نامه در قسمت مربوطه بیان می‌دارد ”ولّی امر الله و بیت العدل اعظم دارای بعضی وظایف و عملکردهای مشترکی می‌باشند و نیز هر یک از این دو مؤسسه در حیطه جداگانه و متمایزی عمل می‌کند.“ (ترجمه) در مورد حیطه متمایز این دو مؤسسه، حضرت ولیّ امر الله مرقوم فرموده‌اند:

... کاملاً واضح و روشن است که ولیّ امر مبین آیات الهی و بیت العدل اعظم واضع احکام غیر منصوبه است. تبیینات ولیّ امر الله که در حوزه اختیارات خویش عمل می‌نماید، همان مرجعیت و الزام اجرایی را دارد که قانون‌گذاری‌های بیت العدل اعظم، مؤسسه‌ای که امتیازات و اختیارات منحصر به فردش اظهار و اعلان قضاوت نهایی در مورد قوانین و احکامی است که حضرت بهاء الله بالصّراحه نازل فرموده‌اند. هیچ یک از این دو مؤسسه نمی‌تواند به قلمرو مقدّس و مقرر دیگری تعدی نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد کرد. هیچ یک سعی در تضعیف اختیارات مخصوصه و مصرّحه‌ای که از جانب حقّ به هر یک اعطا شده نخواهد نمود. (ترجمه)

در باره همان موضوع، در نامه مورخ ۶ ژوئیه ۱۹۳۵ از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احباب چنین نگاشته شده است: ”درست همانطور که تبیین آثار از اختیارات و امتیازات انحصاری ولی امر الله است به همین نحو نیز تشریح توسط حضرت بهاء الله صرفاً به بیت العدل عمومی اعطا شده است. بدین ترتیب بین اختیارات تشریح و تبیین تمایزی آشکار موجود است هر چند هر دو رابطه ای نزدیک دارند.“ (ترجمه)

باید در نظر گرفت که منظور از تبیین موثق و تشریح چیست. تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امر الله ملهم به الهامات الهی و بیان معنای کلمه الله است. ولی تشریح ملهمه بیت العدل اعظم بیان معنای کلمه الله نیست بلکه در مواردی که نصوص نازله و تبیینات موثق صریح نباشد اظهار می دارد که چه باید کرد. این توضیحات جنبه تشریح دارد نه تبیین. همانطور که بیت العدل اعظم در نامه مورخ ۹ مارس ۱۹۶۵ خطاب به یکی از محافل ملی توضیح داده اند:

بین تبیینات حضرت ولی امر الله و توضیحات بیت العدل اعظم که در حین انجام وظایف خود بر اساس نصوص مبارکه باید ”... در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند“ فرقی بسیار مهم موجود است. ولی امر معانی و مفاهیم آثار مبارکه را روشن می کند و تبییناتش بیان حقایق است و تغییرناپذیر می باشد. به فرموده حضرت شوقی افندی ”حق مسلم تشریح احکام غیر منصوصه بهائی فقط مختص“ به بیت العدل اعظم است. (ترجمه) تشریحات بیت العدل اعظم که خود آن هیئت حق اصلاح و نسخ آن را دارد در حکم متمم و وسیله اجرای احکام الهی است. هر چند وظیفه تبیین به بیت العدل اعظم تفویض نشده ولیکن این هیئت مختار است که هر اقدام لازمی را برای استقرار نظم جهانی حضرت بهاء الله در عالم مجرا دارد. با در دست داشتن نصوص محکمه الهیه و تبیینات مفصّله حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی توأم با نهی مطلق افراد از بیان تفسیر معتبر و تبیین ملهم و یا غصب اختیارات مقام ولایت، وحدت در اصول روحانی حفظ می گردد. وحدت اداری با مرجعیت بیت العدل اعظم تأمین می شود. (ترجمه)

همانطور که حضرت ولی امر الله برای ایفای مسئولیت های خویش از عنایت هدایت و صیانت الهی برخوردار بودند، بیت العدل اعظم نیز در آثار مقدسه از چنین عنایتی برای انجام وظایف خود برخوردار است. این هدایت است و نه قابلیت در تبیین موثق که تطابق تصمیمات بیت العدل با معنی نصوص مقدسه را تضمین می کند. حضرت بهاء الله در اشاره به امنای بیت العدل می فرمایند ”انه یلهمهم ما یشاء“ همچنین حضرت عبدالبهاء می فرمایند ”بیت عدل آنچه ... تحقق یابد همان حق و مراد الله است.“ و نیز می فرمایند ”همچه ملاحظه نشود که بیت العدل به فکر و رأی خویش قرار دهند استغفر الله بیت العدل اعظم به الهام و تأیید روح القدس قرار و احکام جاری نماید زیرا در تحت وقایت و حمایت و صیانت جمال قدم است...“

بنا بر این بدیهی است که بیت العدل اعظم تبییناتی در باره معنی آثار مقدسه صادر نمی‌کند، معذک حضرت بهاءالله می‌فرماید "آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده باید امنای بیت عدل مشورت نمایند آنچه را پسندیدند مجری دارند." و حضرت عبدالبهاء تشریح فرموده‌اند که "آن اعضا [بیت العدل اعظم] در محلی اجتماع کنند و در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند." مضافاً حضرت شوقی افندی در توقیع "دور بهائی" مرقوم نموده‌اند که مسئولیت مشترک بیت العدل اعظم و حضرت ولی‌امرالله حفظ "وحدت" پیروان این آیین نازنین و صیانت "اصالت و انعطاف‌پذیری تعالیمش" می‌باشد. و حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند که "استنباط و استخراج افراد علما را حکمی نه مگر آنکه در تحت تصدیق بیت عدل درآید." لذا طبیعتاً برای تحقق مسئولیت‌هایی که خداوند به آن معهد محول فرموده و به منظور وصول به استنتاجات ملهمه در این باره که احباً در مواردی که معنای نصوص مقدسه صریح نباشد چه باید کند، بیت العدل اعظم به دقت و به نحوی مبسوط هم آثار مقدسه و هم تقریرات حضرت شوقی افندی را در باره هر موضوع مطالعه نموده سپس تصمیم می‌گیرند.

اما راجع به سؤال دوم شما در خصوص ترجمه‌های حضرت ولی‌امرالله، شما بدو به عبارات ذیل از پیام بیت العدل اعظم مورخ ۱ اکتبر ۱۹۶۳ خطاب به بهائیان عالم اشاره نموده‌اید "کلمه منزله‌اش با اصالت اولیه‌اش که با تبیینات ملهم به هدایت الهی توسط حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی‌امرالله بسط و توسعه یافته است از باورها و عقاید بشرساخته، استنباطات غیر موجه و تبیینات ناموثق ثابت و مبرّی باقی می‌ماند." (ترجمه) سپس سؤال کرده‌اید که اگر ترجمه‌های حضرت ولی‌امرالله تبیین موثق است و "ثابت و مبرّی" باقی می‌ماند پس چطور می‌توان جمله موجود در نامه ۱۴ اوت ۱۹۳۰ از طرف حضرت ولی‌امرالله را توجیه کرد که "حضرت شوقی افندی حتی ترجمه‌های خودشان را ترجمه نهایی نمی‌دانند." بررسی دقیق جمله فوق‌الذکر از نامه ۱ اکتبر ۱۹۶۳ مشخص می‌کند که "کلمه منزله‌اش" است که "ثابت و مبرّی باقی می‌ماند." به علاوه این جمله به "تبیینات" حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی اشاره می‌کند نه به ترجمه‌ها.

اگرچه ترجمه‌های حضرت ولی‌امرالله تا حدّ زیادی با خود تبییناتی را در مورد منظور و هدف صاحب نصّ همراه دارد اما بین تبیین و ترجمه تفاوتی موجود است. بیت العدل اعظم در نامه مورخ ۸ دسامبر ۱۹۶۴ خطاب به یکی از احبّ توضیحات ذیل را در مورد ترجمه مرقوم نموده‌اند:

... انتقال دقیق معنا و ملاحظت و حلاوت عبارتی از یک زبان به زبان دیگر غالباً غیر ممکن است، فقط می‌توان کوشید که تا حدّ امکان به آن کمال ممتنع و محال نزدیک شد. حتی حضرت ولی‌محبوب امرالله ما که مهارت‌شان در این هنر در حدّ نبوغ بود، ترجمه خود را از "کتاب ایقان" به عنوان "تلاشی دیگر در جهت معرفی این کتاب که در بین آثار مؤسس آیین بهائی تقدّمی بی‌نظیر دارد به عالم غرب به زبانی هرچقدر هم نارسا" توصیف نموده و اظهار امیدواری فرموده‌اند "که

مساعی دیگران را در حصول به هدفی که بالمآل ممتنع و محال محسوب است، یعنی ترجمه شایستهٔ بیانات بی‌مثیل حضرت بهاء‌الله، اعانت نماید.“

ترجمه، و نیز تبیین، مطلق و یا منحصر به یک معنا نیست، سطوح بسیاری از معنا و ترجمه‌های گوناگونی می‌تواند وجود داشته باشد. در حقیقت حضرت شوقی افندی برخی اوقات قطعاتی را که خود از قبل ترجمه کرده بودند مجدداً ترجمه می‌فرمودند و بدین ترتیب قطعاتی با ترجمه‌های متفاوت، هر دو از قلم حضرت ولی‌امرالله، موجود است. با اطمینان نمی‌توان گفت که آیا نسخهٔ بعدی از نظر حضرت ولی‌امرالله به عنوان بهبود نسخهٔ اول تلقی می‌شود یا صرفاً یک شقّ ثانی ترجمه است. ولی در هر صورت، جای تعجب نیست که حضرت شوقی افندی حتی ترجمه‌های خودشان را به عنوان ترجمهٔ نهایی تلقی نمی‌فرمودند. اگر زمانی بیت العدل اعظم با این سؤال مواجه شود که آیا یکی از ترجمه‌های حضرت شوقی افندی را می‌توان تعدیل نمود، آن وقت تبیینات موجود در آن ترجمهٔ حضرتش را نادیده نخواهد گرفت.

بیت العدل اعظم در اعتاب مقدسهٔ علیا مزید تأیید و توفیق شما را در سبیل خدمت به امر مبارک از آستان جمال اقدس ابھی مسئلت می‌نمایند.

با تقدیم تحیات
دارالانشاء بیت العدل اعظم